

عنوان مقاله :

ایران سربلند

با ایمان، دانش و اراده ملی به سوی قله‌ها

نویسنده:

محمود رشنواز

**دانشجوی دکتری حقوق بین الملل ، واحد امارات، دانشگاه آزاد
اسلامی ، دبی، امارات**

(عضو مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضاییه)

۱۴۰۵/۰۶/۱۰



تاریخ ملت‌ها تنها در صفحات کتاب‌ها و با نام پادشاهان، دولت‌ها و فرماندهان نوشته نمی‌شود؛ تاریخ واقعی ملت‌ها در لحظاتی رقم می‌خورد که یک ملت در برابر آزمونی بزرگ قرار می‌گیرد و باید میان تسلیم و ایستادگی، ناامیدی و امید، وابستگی و استقلال، تفرقه و وحدت یکی را انتخاب کند. ملت ایران از جمله ملت‌هایی است که بارها در چنین بزنگاه‌هایی قرار گرفته و هر بار، با وجود فشارها و دشواری‌ها، با سربلندی تمام، هویت، استقلال و عزت خود را حفظ کرده است. این ملت، هرگز زیر بار ذلت نرفته و هرگز پرچم مقاومت را بر زمین نگذاشته است.

هفته دولت نیز از این منظر، صرفاً یک مناسبت تقویمی یا فرصتی برای ارائه گزارش عملکرد دستگاه‌های اجرایی نیست؛ بلکه فرصتی است برای بازخوانی مفهوم خدمت، مسئولیت، ایمان، امید و مجاهدت در مسیر ساختن آینده ایران. در چنین نگاهی، «ایران قوی» تنها یک شعار سیاسی یا یک تعبیر تشریفاتی نیست، بلکه یک ضرورت انقلابی و یک پروژه ملی است؛ پروژه‌ای که تحقق آن نیازمند پیوند میان ایمان و اراده، علم و فناوری، اقتصاد و تولید، فرهنگ و خانواده، دولت و مردم و در نهایت، انسجام و اعتماد عمومی است. این پروژه، میراث شهدا و آرزوی دیرینه انقلاب اسلامی است.

قدرت یک کشور نیز صرفاً در تجهیزات و امکانات مادی خلاصه نمی‌شود. قدرت پایدار زمانی شکل می‌گیرد که پشتوانه‌های مادی و معنوی در کنار یکدیگر قرار گیرند. اقتصاد قوی، علم پیشرفته، فناوری راهبردی، توان دفاعی، فرهنگ ریشه‌دار و دولت کارآمد، بدون مردم امیدوار، مؤمن و متحد نمی‌توانند قدرتی پایدار و ماندگار ایجاد کنند. از همین رو، می‌توان گفت قلب پروژه «ایران قوی»، انسان ایرانی مؤمن و انقلابی و اراده جمعی او برای ساختن آینده است. این همان نسلی است که انقلاب را به پیروزی رساند و جنگ را اداره کرد و امروز نیز باید پرچم‌دار تمدن‌سازی نوین اسلامی باشد.

در نگاه اسلامی، مسئولیت پیش از آنکه امتیاز باشد، امانت و تکلیف است. قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا». مسئولیت در نظام اسلامی باید با مفهوم امانت، عدالت و خدمت گره بخورد. کسی که بر کرسی مدیریت قرار می‌گیرد، در حقیقت در برابر خداوند و مردم مسئول است. قدرت زمانی ارزشمند است که در خدمت مردم، عدالت، پیشرفت و آرامش جامعه قرار گیرد. مسئولیت در نظام جمهوری اسلامی، ادامه راه انبیاست و هر مدیری باید خود را در این جایگاه ببیند.

از همین منظر، مدیر موفق کسی نیست که صرفاً جلسات بیشتری برگزار کند یا بخشنامه‌های بیشتری صادر نماید؛ مدیر موفق کسی است که بتواند گرهی از زندگی مردم باز کند. مردم انقلابی ایران انتظار دارند مسئولان دردهای جامعه را بشناسند، مشکلات اقتصادی را جدی بگیرند، برای اشتغال جوانان برنامه داشته باشند، با فساد و تبعیض مبارزه کنند، تولید را تقویت نمایند و از سرمایه اجتماعی کشور صیانت کنند. خدمت واقعی آن است که مسئول در روزهای سخت در کنار مردم باشد و مسئولیت عمومی را فرصت شخصی تلقی نکند. مدیر انقلابی، مدیری است که سنگر خدمت را رها نکند.

ایران قوی نیز بدون مردم قوی معنا ندارد. مهم‌ترین سرمایه هر کشور، مردم آن هستند؛ مردمی که در روزهای دشوار بار کشور را بر دوش می‌کشند. کارگر متعهد با دست‌های خود تولید می‌کند، کشاورز زحمت‌کش زمین را آباد می‌سازد، معلم دلسوز نسل آینده را تربیت می‌کند، پزشک و پرستار فداکار برای سلامت جامعه تلاش می‌کنند، مهندس متخصص زیرساخت می‌سازد، دانشجو و پژوهشگر خستگی‌ناپذیر مرزهای دانش را گسترش می‌دهد، کارآفرین متعهد سرمایه و اندیشه را به تولید

تبدیل می‌کند و خانواده مؤمن، شخصیت و آینده نسل بعد را شکل می‌دهد. ایران در نهایت با دست و اندیشه همین مردم ساخته می‌شود. مردم ایران، اما و اگر ندارند؛ آنها همیشه در میدان بوده‌اند.

به همین دلیل، اعتماد عمومی بخشی از قدرت ملی است. مردم زمانی می‌توانند پشتوانه‌ای پایدار برای کشور باشند که احساس کنند دیده می‌شوند، صدایشان شنیده می‌شود و برای زندگی و آینده آنان برنامه وجود دارد. اعتماد عمومی با صداقت، عدالت، پاسخ‌گویی و کارآمدی ساخته می‌شود و در صورت بی‌توجهی، به آسانی آسیب می‌بیند. ایران قوی کشوری نیست که صرفاً دولت آن قدرتمند باشد؛ ایران قوی کشوری است که مردم آن نیز احساس امنیت، عزت، امید و توانمندی کنند. این اعتماد، با خون شهیدان آبیاری شده و باید حفظ شود.

در کنار مردم، اقتصاد یکی از مهم‌ترین ستون‌های استقلال و اقتدار ملی است. استقلال سیاسی بدون استقلال اقتصادی، همواره در معرض آسیب‌پذیری قرار دارد. تورم، بیکاری، کاهش قدرت خرید، مشکلات تولید، بی‌ثباتی بازار و دشواری‌های سرمایه‌گذاری، موضوعاتی صرفاً اقتصادی نیستند؛ بلکه مستقیماً با امنیت روانی و آینده خانواده‌های ایرانی ارتباط دارند. از این رو، مبارزه با مشکلات اقتصادی باید در مرکز برنامه‌ریزی کشور قرار گیرد. دشمن با جنگ اقتصادی به میدان آمده و ما باید با جهاد اقتصادی پاسخ دهیم.

اقتصاد مقاومتی، شعار نیست؛ راهبردی است که از دل انقلاب برخاسته و رهبر حکیم انقلاب آن را ترسیم کرده است. اقتصادی که در برابر تکانه‌های خارجی، تحریم‌ها و بحران‌های بین‌المللی تاب‌آوری بیشتری داشته باشد. چنین اقتصادی بر تولید، بهره‌وری، سرمایه‌گذاری هدفمند، کاهش وابستگی، مدیریت صحیح واردات و مبارزه بی‌امان با فساد استوار است. تولید داخلی نیز تنها یک موضوع اقتصادی نیست؛ بخشی از امنیت ملی است. هر کارخانه‌ای که فعال می‌شود، یک حلقه به زنجیره استقلال اقتصادی اضافه می‌کند و هر جوانی که صاحب شغل می‌شود، امید یک خانواده را افزایش می‌دهد. ما می‌توانیم و باید با تکیه بر توان داخلی، تحریم‌ها را خنثی کنیم.

البته حمایت از تولید نباید در حد شعار باقی بماند. تولیدکننده به قوانین پایدار، محیط کسب‌وکار سالم، دسترسی مناسب به سرمایه و بازار، کاهش بروکراسی و مبارزه واقعی با فساد نیاز دارد. در مقابل، تولید داخلی نیز باید به سوی کیفیت، نوآوری و رقابت‌پذیری حرکت کند. ایران قوی به اقتصادی نیاز دارد که هم در برابر فشارها مقاوم باشد و هم در عرصه رقابت توان حضور داشته باشد. تولید، میدان جهاد اقتصادی است و تولیدکننده، سرباز این جبهه.

در این میان، جوان ایرانی مهم‌ترین سرمایه آینده کشور است؛ اما بهتر است او را تنها «آینده ایران» ندانیم. جوانان، همین امروز ایران‌اند. دانشگاه باید از صرفاً محل دریافت مدرک فراتر رود و به محیط تولید اندیشه، فناوری و راه‌حل تبدیل شود. نخبگان باید میدان عمل پیدا کنند و شرکت‌های دانش‌بنیان باید بتوانند علم را به فناوری، فناوری را به ثروت و ثروت را به قدرت ملی تبدیل کنند. جوان مؤمن و انقلابی، موتور محرکه پیشرفت کشور است.

در جهان امروز، بخشی از مهم‌ترین میدان‌های قدرت در آزمایشگاه‌ها، دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی و شرکت‌های فناور شکل می‌گیرد. هوش مصنوعی، زیست‌فناوری، انرژی، ارتباطات، صنایع پیشرفته، کشاورزی هوشمند و فناوری‌های نوین، عرصه‌هایی هستند که می‌توانند آینده کشور را دگرگون کنند. گاهی یک ایده کوچک می‌تواند صنعتی بزرگ را متحول کند و گاهی یک پژوهش علمی می‌تواند بخشی از وابستگی کشور را کاهش دهد. بنابراین حمایت از جوانان و نخبگان هزینه نیست؛

سرمایه‌گذاری برای آینده ایران است. کشتی علم و فناوری ایران، با همت جوانان این مرزوبوم به حرکت درآمده و متوقف‌شدنی نیست.

علم در جهان معاصر یکی از بنیادی‌ترین پایه‌های قدرت است. کشوری که علم تولید می‌کند، توان تولید فناوری پیدا می‌کند و کشوری که صاحب فناوری‌های راهبردی باشد، از استقلال بیشتری برخوردار خواهد بود. از همین رو، ایران قوی باید ایران علمی باشد؛ مدرسه باید شوق یادگیری ایجاد کند، دانشگاه باید خلاقیت و مسئله‌حل‌کنی را پرورش دهد و مراکز علمی باید برای حل مسائل واقعی کشور به میدان بیایند. جهاد علمی در نهایت یعنی تبدیل استعداد به دستاورد. مرزهای دانش را باید شکست و قله‌های افتخار را فتح کرد.

اما هیچ‌یک از این عناصر بدون انسجام اجتماعی نمی‌تواند قدرتی پایدار ایجاد کند. جامعه‌ای که از درون گرفتار شکاف، نفرت، بی‌اعتمادی و دو قطبی‌های فرساینده شود، بخشی از انرژی خود را صرف مقابله با خویش خواهد کرد. از این رو، حفظ وحدت ملی باید به یک اصل دائمی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تبدیل شود. هر تصمیمی باید با این پرسش همراه باشد که چه اثری بر انسجام جامعه خواهد داشت. دشمنان ما به دنبال تفرقه‌اند؛ ما باید متحدتر از همیشه باشیم.

وحدت البته به معنای حذف اختلاف نظر نیست. جامعه سالم، جامعه‌ای است که در آن نقد، گفت‌وگو و اختلاف نظر وجود دارد؛ اما اختلاف نظر نباید به دشمنی و گسست اجتماعی تبدیل شود. می‌توان منتقد بود و وحدت را حفظ کرد؛ می‌توان عزت ملی را پاس داشت و از عقلانیت و تدبیر بهره گرفت؛ می‌توان در برابر تهدید ایستاد و هم‌زمان راه‌های منطقی و کارشناسی را برای پیشرفت دنبال کرد. قدرت یک ملت زمانی بیشتر می‌شود که اختلافات سیاسی، آن را از منافع ملی جدا نکند. وحدت حول محور ولایت، رمز پیروزی است.

یکی از آسیب‌های جدی در فضای اجتماعی نیز ایجاد دوگانه‌های کاذب است؛ اینکه جامعه را در برابر انتخاب‌هایی مصنوعی قرار دهیم، گویی باید میان عزت و عقلانیت، مقاومت و پیشرفت یا نقد و وحدت یکی را انتخاب کرد. در حالی که جامعه بالغ می‌تواند این عناصر را در کنار یکدیگر جمع کند. می‌توان هم نقد کرد و هم امید داشت؛ هم استقلال را حفظ کرد و هم از دیپلماسی و تدبیر بهره برد؛ هم ضعف‌ها را دید و هم ظرفیت‌های کشور را فراموش نکرد. این نگاه، نگاه انقلابی و عمیق به مسائل است.

در همین چارچوب، جنگ روایت‌ها نیز اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. یکی از میدان‌های مهم رقابت در جهان امروز، میدان افکار عمومی و ذهن انسان‌هاست. اگر ملتی دائماً خود را ضعیف، شکست‌خورده و ناتوان ببیند، به تدریج قدرت حرکت خود را از دست خواهد داد. اما روایت قدرت به معنای پنهان کردن ضعف‌ها نیست. ضعف باید شناخته شود، مشکل باید پذیرفته شود و خطا باید اصلاح گردد؛ اما نباید ضعف را به هویت یک ملت تبدیل کرد. روایت انقلابی، روایت امید، عزت و پیشرفت است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ». روایت توانمندی‌های کشور، در این نگاه، به معنای انکار مشکلات نیست؛ بلکه به معنای دیدن همه واقعیت است. ایران هم مشکلات دارد و هم ظرفیت؛ هم نیازمند اصلاح است و هم دارای دستاورد. هنر مدیریت ملی آن است که ضعف را برای اصلاح بشناسد و توانایی‌ها را برای پیشرفت فعال کند. نعمت زمانی به قدرت تبدیل می‌شود که شناخته، مدیریت و شکوفا شود. ما باید قله‌های افتخار را فتح کنیم و این را به گوش جهانیان برسانیم.

امید نیز در همین نقطه معنا پیدا می‌کند. امید یک احساس ساده یا تبلیغاتی توخالی نیست؛ امید، قدرت حرکت یک ملت است. جامعه ناامید، حتی اگر امکانات فراوان داشته باشد، انگیزه کافی برای حرکت ندارد. اما امید واقعی نیز با انکار مشکلات ساخته نمی‌شود. امید زمانی شکل می‌گیرد که مردم آثار عمل، عدالت و پیشرفت را در زندگی خود ببینند؛ وقتی جوان شغل پیدا می‌کند، وقتی تولید رونق می‌گیرد، وقتی مشکلی حل می‌شود و وقتی مردم احساس می‌کنند عدالت و کارآمدی وجود دارد. بنابراین امید باید محصول عملکرد باشد. امید به آینده، نشأت گرفته از اعتماد به خدا و توانمندی‌های ملی است.

فرهنگ نیز روح جامعه است. هیچ کشوری تنها با اقتصاد و فناوری ساخته نمی‌شود. اگر فرهنگ تضعیف شود، ثروت و قدرت مادی نیز نمی‌توانند خلأ هویتی جامعه را پر کنند. فرهنگ از خانواده آغاز می‌شود و در مدرسه، دانشگاه، مسجد، رسانه و محیط اجتماعی رشد می‌کند. خانه نخستین مدرسه انسان است و پدر و مادر نخستین معلمان او هستند. نسلی که با ایمان، دانش، اخلاق، مسئولیت‌پذیری، عزت و عشق به ایران تربیت شود، می‌تواند سازنده آینده کشور و تمدن آینده باشد. فرهنگ انقلابی، سپر دفاعی در برابر تهاجم فرهنگی دشمن است.

از همین منظر، خانواده جایگاهی بنیادین در پروژه ایران قوی دارد. آینده کشور تنها در ساختمان‌های بزرگ، کارخانه‌ها و مراکز فناوری ساخته نمی‌شود؛ آینده در خانه‌هایی شکل می‌گیرد که در آنها فرزندان مسئولیت‌پذیری، صداقت، محبت، ایمان، دانش و میهن‌دوستی را می‌آموزند. تربیت نسلی سالم، باسواد، شجاع و مسئولیت‌پذیر، خود نوعی مجاهدت برای ساختن آینده است. خانواده، هسته مرکزی تمدن‌سازی اسلامی است.

در این مسیر، نباید از یاد شهیدان غافل شد. سخن گفتن از ایران قوی بدون یاد کسانی که برای امنیت، استقلال و عزت این سرزمین جان خود را فدا کردند، ناقص است. شهیدان رجایی و باهنر و دیگر شهدای این سرزمین، یادآور پیوند مسئولیت با ایثار و خدمت‌اند. آنان نشان دادند که می‌توان مسئول بود و ساده زیست، قدرت داشت و خدمت کرد و برای مردم از جان گذشت. یاد شهیدان تنها بزرگداشت گذشته نیست؛ عهدي برای آینده است. راه شهدا، راه عزت و سربلندی است و ما ادامه‌دهنده این راهیم.

ادامه راه شهیدان نیز الزاماً در سخنرانی و شعار خلاصه نمی‌شود. گاهی ادامه راه آنان در صداقت است، گاهی در مبارزه با فساد، گاهی در تولید، گاهی در علم‌آموزی، گاهی در تربیت فرزند صالح و گاهی در خدمت صادقانه به مردم. جهاد امروز فقط در میدان جنگ معنا ندارد؛ کارخانه، دانشگاه، مدرسه، مزرعه، بیمارستان، آزمایشگاه، اداره و حتی خانواده نیز می‌توانند میدان جهاد برای ساختن ایران باشند. کارگر متعهد با وجدان خود تولید می‌کند، معلم انقلابی با عشق نسل آینده را می‌سازد، دانشمند متعهد برای حل مسائل کشور تحقیق می‌کند، مدیر جهادی برای مردم تلاش می‌کند و شهروند انقلابی با قانون‌مداری و رعایت حقوق دیگران به انسجام جامعه کمک می‌کند. همه ما مسئولیم و همه در جبهه‌ای مشغول جهادیم.

در این میان، دشمن‌شناسی نیز ضروری است؛ اما نباید تمام هویت و توان جامعه در دشمن‌شناسی خلاصه شود. ملتی که همواره فقط به دشمن نگاه کند، ممکن است از دیدن ظرفیت‌های خود غافل شود. باید دشمن را شناخت، اما خود را نیز شناخت؛ باید دانست چه داریم، چه می‌توانیم و چه باید بسازیم. تحریم می‌تواند سختی ایجاد کند، اما می‌تواند انگیزه‌ای برای نوآوری و کاهش وابستگی نیز باشد. تهدید می‌تواند خطرناک باشد، اما می‌تواند ضرورت افزایش آمادگی و توانمندی را آشکار

سازد. ملت‌های بزرگ از بحران‌ها تنها آسیب نمی‌بینند؛ از آنها تجربه و قدرت نیز می‌سازند. ما از تهدید، فرصت می‌سازیم و از تحریم، خودکفایی.

رسانه نیز در این میان مسئولیتی سنگین بر عهده دارد. رسانه مسئول و انقلابی باید هم مشکلات را ببیند و هم ظرفیت‌ها را؛ هم مطالبه‌گر باشد و هم منصف؛ هم نقد کند و هم امید را حفظ نماید. پنهان کردن مشکلات خدمت به کشور نیست، اما بزرگ‌نمایی مشکلات و نادیده گرفتن همه توانمندی‌ها نیز خدمت به کشور محسوب نمی‌شود. جامعه باید واقعیت را آن‌گونه که هست ببیند؛ نه سیاه مطلق و نه سفید مطلق، بلکه مجموعه‌ای از مشکلات، ظرفیت‌ها، ضعف‌ها و فرصت‌ها. رسالت رسانه انقلابی، روشنگری و امیدآفرینی است.

در این میان، دولت حلقه اتصال میان امید و عمل است. دولت کارآمد و انقلابی دولتی است که از شعار عبور کند و نتیجه را در زندگی مردم به نمایش بگذارد. مردم صرفاً به آمار نیاز ندارند؛ نتیجه را در بازار، اشتغال، تولید، کیفیت خدمات، آموزش، درمان، رفاه و آینده فرزندان خود می‌سنجند. دولت باید کارشناسی را جدی بگیرد، از نخبگان استفاده کند، به مردم نزدیک باشد، شجاعت اصلاح داشته باشد و در صورت خطا، مسئولانه آن را بپذیرد و اصلاح کند. کارآمدی یعنی توان تبدیل برنامه به نتیجه. دولت انقلابی، دولتی است که در میدان خدمت، پیشگام باشد.

با این حال، ساختن ایران قوی تنها وظیفه دولت نیست. ایران قوی یک پروژه دولتی نیست؛ یک پروژه ملی است. دانش‌آموز با آموختن، دانشجو با پژوهش، استاد با آموزش، کارگر با تولید، کارآفرین با سرمایه‌گذاری، کشاورز با آبادانی، معلم با تربیت نسل آینده، خانواده با تربیت فرزند، رسانه با روایت مسئولانه و هر شهروند با قانون‌مداری و حفظ انسجام اجتماعی، سهمی در ساختن آینده کشور دارند. همه پای کار ایرانی‌ها و هیچ‌کس تماشاگر نیست.

ایران قوی همچنین نباید تنها به دنبال عبور از بحران‌های روزمره باشد؛ هدف بزرگ‌تر، ساختن آینده و ایفای نقش در تمدن‌سازی است. ایران با پیشینه تاریخی و تمدنی خود می‌تواند در علم، اقتصاد، فرهنگ، فناوری و تولید اندیشه نقش‌آفرین باشد. اما تمدن با تکیه صرف بر گذشته ساخته نمی‌شود. گذشته باید الهام‌بخش باشد، نه جایگزین تلاش امروز. آینده زمانی ساخته می‌شود که دانش با ایمان، اقتصاد با عدالت، قدرت با اخلاق، فناوری با انسانیت و پیشرفت با معنویت همراه شود. تمدن‌سازی نوین اسلامی، افق بلند انقلاب اسلامی است.

در حقیقت، ایمان در فرهنگ اسلامی نیرویی برای کناره‌گیری از زندگی و جهان نیست؛ بلکه نیرویی برای آباد کردن جهان است. انسان مؤمن باید علم بیاموزد، کار کند، عدالت را دنبال کند، به مردم خدمت نماید، از فساد دوری کند و برای آینده تلاش داشته باشد. تمدن زمانی شکل می‌گیرد که ایمان، علم، اخلاق و توانایی در کنار یکدیگر قرار گیرند. ایمان، موتور محرکه پیشرفت و تمدن‌سازی است.

از این منظر، ساختن ایران قوی نیازمند یک عهد ملی و تاریخی است؛ عهدی که در آن مشکلات را انکار نکنیم، اما تسلیم آنها نیز نشویم؛ اختلاف نظر داشته باشیم، اما وحدت ملی را قربانی اختلاف نکنیم؛ از دولت مطالبه‌گری کنیم، اما مسئولیت اجتماعی خود را نیز فراموش نکنیم؛ جوانان را باور کنیم؛ علم و تولید را جدی بگیریم؛ خانواده و فرهنگ را پاس بداریم و ایران را نه با نگاه کوتاه‌مدت، بلکه با نگاهی تاریخی و تمدنی ببینیم. این عهد، عهدی است با شهدا، با امام و با رهبری.

قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ». تغییر آینده از خود ما آغاز می‌شود؛ از مدیر صادق، کارگر پرتلاش، معلم دلسوز، دانشمند خلاق، جوان امیدوار و خانواده مسئول. آینده ایران چیزی نیست که صرفاً باید منتظر آن ماند؛ آینده را باید ساخت. باید ایمان را به تلاش، امید را به برنامه، علم را به فناوری، سرمایه را به تولید، جوانی را به نوآوری و قدرت را به خدمت تبدیل کرد. ما می‌توانیم و این را ثابت کرده‌ایم.

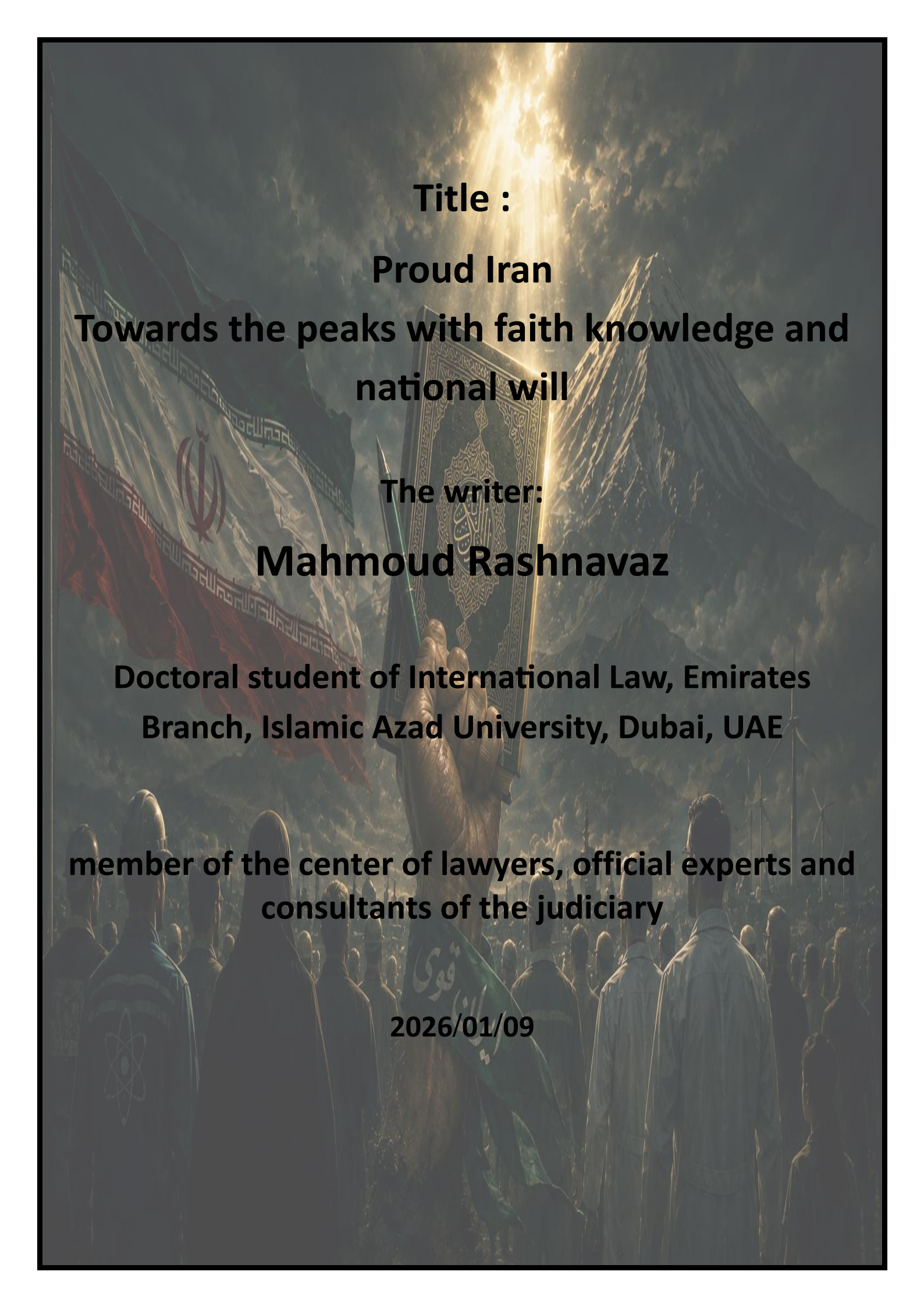
امروز ایران در برابر یک انتخاب بزرگ تاریخی قرار دارد: یا اجازه دهد دیگران تصویر آینده آن را ترسیم کنند، یا خود با ایمان، اراده، دانش، اتحاد و مجاهدت آینده خویش را بسازد. راه دوم، راه ملتی است که می‌خواهد مستقل بماند و سرنوشت خود را خود تعیین کند. ما راه دوم را انتخاب کرده‌ایم و تا پایان خواهیم رفت.

ایران قوی، ایران ناامید نیست؛ ایران متفرق نیست؛ ایران وابسته نیست. ایران قوی، ایران مؤمن، متحد، دانشمند، مولد، عدالت‌خواه و امیدوار است. ایران قوی کشوری است که مردمش آینده را ممکن می‌دانند، جوانانش میدان عمل دارند، دانشمندانش فرصت ساختن دارند، تولیدکنندگان احساس امنیت می‌کنند، خانواده‌هایش به فردا امیدوارند و مسئولانش کرسی قدرت را پیش از آنکه جایگاه اقتدار بدانند، جایگاه خدمت و امانت می‌دانند. این، آرمان انقلاب اسلامی است و این، ایران قوی است.

ایران تنها یک سرزمین نیست؛ یک تاریخ، یک فرهنگ، یک هویت و خانه میلیون‌ها انسان است. این سرزمین امانتی است که باید قدرتمندتر، آبادتر و سربلندتر از آنچه به ما سپرده شده، به نسل آینده تحویل داده شود. نسل امروز وارث یک تاریخ بزرگ است، اما مهم‌تر از آن، سازنده آینده این تاریخ است. ما این امانت را به شایستگی حفظ خواهیم کرد.

پس باید برخاست؛ برای علم، برای تولید، برای عدالت، برای خدمت، برای وحدت، برای عزت و برای آبادانی ایران. باید پرچم امید را برافراشته نگه داشت و چراغ ایمان را خاموش نکرد. باید دست در دست یکدیگر گذاشت و اجازه نداد اختلافات فرعی، اصل منافع ملی را تحت‌الشعاع قرار دهد. باید به جوان ایرانی گفت که او تماشاگر آینده نیست؛ سازنده آینده است. باید به کارگر گفت که دست‌های او چرخ اقتصاد این سرزمین را می‌چرخاند. باید به معلم گفت که کلاس او یکی از سنگرهای ساختن ایران فرداست. باید به دانشمند گفت که آزمایشگاه او می‌تواند میدان استقلال آینده کشور باشد و باید به مسئول یادآوری کرد که کرسی او، پیش از آنکه جایگاه قدرت باشد، جایگاه خدمت و امانت است. همه باید برخیزند و این، ندای انقلاب است. اگر این حلقه‌ها در کنار یکدیگر قرار گیرند، ایران نه تنها می‌تواند از مشکلات عبور کند، بلکه می‌تواند به قله‌های تازه‌ای از پیشرفت و عزت دست یابد. ایران قوی، یک آرزو نیست؛ یک مسئولیت است. یک شعار نیست؛ یک راه است. و این راه با ایمان، علم، کار، وحدت، خدمت و مجاهدت پیموده می‌شود. این راه، راه انقلاب است و ما تا فتح قله‌های افتخار، از آن دست نخواهیم کشید.

ایران قوی، یعنی اراده‌ای که شکست‌ناپذیر است؛ یعنی ملتی که در برابر زورگویی سر خم نمی‌کند؛ یعنی کشوری که با تکیه بر ایمان و دانش، قله‌های تمدن را فتح می‌کند. ایران قوی، نه وعده‌ای برای فردا که واقعی است که امروز با دستان خود می‌سازیم. ما ایران را قوی می‌کنیم، زیرا ایران، خانه ماست و عزت ما، در گرو عزت آن است.



Title :

Proud Iran

**Towards the peaks with faith knowledge and
national will**

The writer:

Mahmoud Rashnavaz

**Doctoral student of International Law, Emirates
Branch, Islamic Azad University, Dubai, UAE**

**member of the center of lawyers, official experts and
consultants of the judiciary**

2026/01/09